



انجمن ایرانیان علیه اعدام

Iranska Föreningen Mot Avrättningar

گزارش ویژه

زنان اعدام شده در ایران



به مناسبت روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان

۱ نوامبر ۲۰۲۳ - ۲۵ نوامبر ۲۰۲۴

گزارش ویژه

زنان اعدام شده در ایران

اول نوامبر ۲۰۲۳ – ۲۵ نوامبر ۲۰۲۴

به مناسبت روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان

انجمن ایرانیان علیه اعدام

شماره ی ثبت : ۸۰۲۵۴۳۵۹۰۳

استکهلم – سوئد

شماره ی تماس: ۰۰۴۶۷۶۰۳۰۵۷۶۷

Email: info@ifmavoice.com

Website: <https://ifmavoice.com/>



فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	اهداف گزارش
۲	چالش های گزارش دهی
۲	روش شناسی
۳	محدودیت های گزارش
۴	محتوای گزارش
۸	اعدام زنان با مشکلات جسمی و روانی
۱۰	توزیع جغرافیایی اعدام زنان
۱۱	صدور و تایید احکام اعدام
۱۳	تاثیر اعدام ها بر خانواده ها
۱۵	نتیجه گیری
۱۵	توصیه ها و پیشنهادات
۱۶	اظهارات پایانی
۱۶	منابع

۱. مقدمه

همزمان با گرامیداشت روز جهانی "مبارزه با خشونت علیه زنان"، ضروری است که به واقعیت های تلخی که زنان ایرانی در جامعه ی ایران با آن روبرو هستند، توجه کنیم. زنانی که علاوه بر تحمل سرکوب سیستماتیک و خشونت، یکی از بالاترین نرخ های اعدام در جهان را تجربه می کنند.

در جامعه ای که قوانین به جای حمایت از زنان در برابر انواع خشونت، اغلب به تقویت آنها می پردازد؛ باید اذعان داشت که زنان ایرانی با تهدیدی بی سابقه و شدید مواجه هستند. آنها تحت فشار از سوی هنجارهای قانونی و فرهنگی هستند که به جای ایجاد امنیت، اغلب آسیب پذیری آنها را تشدید می کند. چنین شرایطی، برخی زنان را به موقعیت های بسیار دشواری سوق می دهد که تصمیمات برای بقا، منجر به تعقیب کیفری و در نهایت اعدام آنان می شود.

این گزارش به بررسی و تحلیل پرونده های زنانی می پردازد که از اول نوامبر ۲۰۲۳ تا ۲۵ نوامبر ۲۰۲۴ یا اعدام شده اند و یا به مجازات اعدام محکوم شده اند. با برجسته کردن روایت های فردی و بررسی الگوهای موجود، این گزارش به دنبال آن است، که آگاهی جهانی نسبت به بی عدالتی های سیستماتیک که این زنان متحمل می شوند، را افزایش دهد و خواستار توجه بین المللی برای مقابله با این نقض حقوق بشر شود.

این گزارش به بررسی پرونده های زنانی می پردازد، که به دلیل شرایط بسیار دشوار، مجبور به ارتکاب جرم شده اند. قربانیان اغلب زنانی بوده اند که در کودکی ازدواج کرده اند و یا از طبقات ضعیف جامعه بوده اند. بخشی از آنان به عنوان مادر و سرپرست خانواده، از هیچگونه حمایت های اجتماعی و قانونی بهره نبرده اند. روایت زندگی این زنان نشان می دهد که در جامعه ی ایران خشونت جنسیتی علیه زنان با یک سیستم قضایی بی رحم تلاقی می کند. بدین معنا که زنان قربانی دو سطح از بی عدالتی هستند: اول، خشونت جنسیتی در جامعه؛ و دوم، برخورد بی رحمانه و مجازات غیرمنصفانه از سوی سیستم قضایی. این تلاقی باعث می شود که زنان حتی در هنگام دفاع از خود یا تلاش برای زنده ماندن، دوباره قربانی شوند.

در بررسی این روایت ها، ضروری است که به هزینه انسانی این اقدامات فکر کنیم و نیاز به سیستم قضایی که به جای مجازات، از آسیب پذیرترین افراد در جامعه محافظت می کند، را، به رسمیت بشناسیم.

۲. اهداف گزارش

هدف این گزارش مستندسازی اعدام زنان در ایران از اول نوامبر ۲۰۲۳ تا ۲۵ نوامبر ۲۰۲۴ است. این گزارش نشان می دهد که چگونه دستگاه قضایی ایران، از یک سو با پایبندی سخت گیرانه به قوانین شریعت، و از سوی دیگر با تأثیر از سیستم های اقتصادی و اجتماعی ناکارآمد کشور، زمینه ای را ایجاد می کند که زنان — به عنوان یکی از آسیب پذیرترین گروه های جامعه ایرانی — به سمت جرم و جنایت سوق داده شوند.

قوه قضائیه در ایران نه تنها به عنوان ابزاری برای سرکوب زنان عمل می کند، بلکه تمایلات غیرمنطقی و احساسی در جامعه را به نفع مجازات اعدام تقویت می کند. این گزارش با روشن کردن این موارد تلاش دارد؛ آگاهی سازمان های بین المللی حقوق بشر را نسبت به شرایطی که زنان محکوم

به اعدام در ایران با آن روبرو هستند را، افزایش دهد. این زنان از آسیب‌پذیرترین افراد جامعه هستند که همزمان با تبعیض جنسیتی و احکام بی‌رحمانه دستگاه قضایی مبتنی بر شریعت مواجه‌اند. این سیستم اغلب در نظر نمی‌گیرد که چگونه قوانین مردسالارانه و فقدان حمایت‌های اجتماعی، زنان را به موقعیت‌هایی سوق داده که منجر به ارتکاب جرم شده است.

در نهایت، این گزارش به‌عنوان فراخوانی به جامعه بین‌المللی عمل می‌کند تا برای تغییرات اساسی در رویه‌های قضایی ایران تلاش کرده و از مدافعان حقوق بشر که برای پایان دادن به اعدام زنان در ایران مبارزه می‌کنند، حمایت کنند.

۳. چالش‌های گزارش دهی

مستندسازی اعدام زنان در ایران با چالش‌های قابل‌توجهی مواجه است. نخست، نبود شفافیت از سوی نهادهای دولتی یکی از موانع اصلی است. محدودیت‌های شدید رسانه‌ای و سرکوب سازمان‌های مستقل حقوق بشر توسط دولت، جریان اطلاعات را به‌شدت محدود می‌کند. این موانع باعث می‌شود که اطلاعات اغلب یا دست‌نیافتنی باشند یا به شکلی ناقص و تحریف‌شده منتشر شوند، که این امر تأیید صحت اطلاعات را دشوار می‌سازد.

دوم، همان‌طور که فرشته گلی (۲۰۲۴) اشاره کرده است، زنان ایرانی که زندانی شده‌اند با پیامدهای اجتماعی پایداری روبرو می‌شوند، از جمله طرد شدن از سوی خانواده و جامعه، فروپاشی روابط خانوادگی، و ننگ اجتماعی مرتبط با زندانی شدن آن‌ها. این ننگ اجتماعی به خانواده‌های زنان محکوم به اعدام نیز سرایت می‌کند، به‌طوری‌که بسیاری از خانواده‌ها از اعتراف علنی به این وضعیت اجتناب می‌کنند. در نتیجه، بستگان زنان اعدام‌شده اغلب ترجیح می‌دهند در سکوت زندگی کنند و ارتباط خود را با فرد محکوم‌شده پنهان کنند تا از قضاوت اجتماعی در امان بمانند. این "سکوت محافظتی" که توسط خانواده‌ها حفظ می‌شود، اغلب باعث می‌شود نام، عکس، و جزئیات شخصی این زنان دست‌نیافتنی باقی بماند.

با وجود این موانع قابل‌توجه، این گزارش با استفاده از منابع قابل‌اعتماد، از جمله گزارشات سازمان‌های مستقل حقوق بشر و روایت‌های تأییدشده، تلاش کرده است دقت خود را حفظ کند. هدف این گزارش ارائه تصویری جامع و شفاف از وضعیت اعدام زنان در ایران است، حتی زمانی که اطلاعات موجود محدود یا دسترسی به آن دشوار باشد.

۴. روش شناسی

این گزارش رویکردی چند جانبه برای مستندسازی و تحلیل موارد اعدام زنان در ایران از اول نوامبر ۲۰۲۳ تا ۲۵ نوامبر ۲۰۲۴ استفاده می‌کند. با توجه به محدودیت‌های دسترسی به اطلاعات در داخل ایران، این بخش استراتژی‌های به کارگرفته‌شده برای تأیید داد‌ها و اقدامات انجام شده برای مقابله با این محدودیت‌ها را شرح می‌دهد.

۴-۱. جمع‌آوری داده‌ها

● گزارش‌های ماهانه از انجمن ایرانیان علیه اعدام : این گزارش‌ها داده‌های دقیقی درباره اعدام‌ها در دوره مورد گزارش ارائه می‌دهند.

● گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر و رسانه‌ها: شامل گزارش‌های سازمان حقوق بشر ایران، عفو بین‌الملل، همچنین سازمان‌های مستقل حقوق بشری ایرانی نظیر ه‌رانا، ه‌م‌نگاو و حال و ش.

رسانه‌ها همانند رسانه‌های دولتی ایران مانند رکنا، میزان، مشرق‌نیوز و مهر. همچنین رسانه‌های غیر دولتی و مستقل در خارج از ایران مانند ایران وایر.

لازم به ذکر است که این گزارش همچنین از گزارشات افراد محلی در داخل ایران استفاده کرده است. استفاده از گزارش‌های محلی دیدگاه‌ها و اطلاعات ارزشمندی را فراهم می‌کند که اغلب در اسناد رسمی غایب است.

۲-۴. تأیید و تطبیق داده‌ها

به دلیل نبود شفافیت در ایران، داده‌ها از طریق تطبیق میان منابع متعدد، از جمله گزارش‌های افراد محلی، مورد بررسی و تأیید قرار گرفتند. در مواردی که تناقضاتی میان گزارش‌های مستقل و رسانه‌های رسمی مشاهده شد، اولویت به اطلاعات تأییدشده از سوی سازمان‌های معتبر حقوق بشری، انجمن ایرانیان علیه اعدام و شهادت‌های محلی داده شد که اغلب گزارش‌های دست اول ارائه می‌دهند.

۳-۴. چارچوب تحلیلی

برای دسته‌بندی و تفسیر داده‌ها، یک چارچوب تحلیلی طراحی شد. این چارچوب شامل موارد زیر بود:

● **ویژگی پرونده‌ها :** هر پرونده بر اساس جزئیات کلیدی از جمله سن، وضعیت خانوادگی، اتهامات، و شرایط ویژه (مانند ازدواج کودکان، زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی) تحلیل شد.

● **زمینه اجتماعی-حقوقی:** گزارش تأثیر قوانین شریعت، هنجارهای مردسالارانه، و شرایط اجتماعی - اقتصادی را که ممکن است به جرم‌انگاری زنان منجر شود، در نظر گرفته است.

۵. محدودیت‌های گزارش

این گزارش با محدودیت‌هایی، به دلیل دسترسی محدود به داده‌ها در ایران مواجه بوده است. سانسور دولتی، عدم دسترسی به سوابق عمومی دادگاه‌ها، ننگ اجتماعی، و ترس خانواده‌های قربانیان از دادن اطلاعات، موانعی برای دستیابی به اطلاعات دقیق ایجاد می‌کنند. اگرچه گزارش‌های محلی بینش‌های ارزشمندی ارائه دادند، اما گاهی به دلیل نگرانی‌های امنیتی فاقد جزئیات کافی بودند.

با وجود این محدودیت‌ها، تلاش شد تا با تطبیق داده‌ها از منابع مستقل متعدد، قابل‌اعتمادترین اطلاعات گردآوری شود. در مواردی که امکان تأیید اطلاعات کامل وجود نداشت، این موضوع برای حفظ شفافیت ذکر شده است.

۶. محتوای گزارش: بررسی اعدام زنان در ایران از اول نوامبر ۲۰۲۳ تا ۲۵ نوامبر ۲۰۲۴

در این بخش، تعداد اعدام‌های زنان در ایران طی دوره مشخص‌شده مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین دلایل قضایی و اتهاماتی که برای این اعدام‌ها ذکر شده‌اند، توزیع جغرافیایی آن‌ها در استان‌ها و زندان‌های مختلف، اعدام‌های سیاسی، صدور و تأیید احکام اعدام برای زندانیان سیاسی و غیرسیاسی، و موارد اعدام همسران نیز تحلیل خواهند شد.

این گزارش همچنین به تأثیرات انسانی و اجتماعی این اعدام‌ها، به‌ویژه بر خانواده‌های قربانیان، خواهد پرداخت.

۶-۱. تعداد کل اعدام‌ها

دربازه ی زمانی مورد مطالعه ، دستکم ۳۰ زن در ایران در نتیجه تایید احکام اعدام ، اعدام شدند. لازم به ذکر است که این آمار بر اساس داده‌های در دسترس ارائه شده و ممکن است تعداد واقعی را نشان ندهد، چرا که سازمان‌های حقوق بشر ایران و عفو بین‌الملل گزارش داده‌اند که بسیاری از اعدام‌ها یا توسط منابع رسمی ایرانی اعلام نمی‌شوند؛ یا به دلیل ترس از ننگ اجتماعی و انتقام‌جویی، توسط خانواده‌های قربانیان عمداً مخفی می‌مانند.



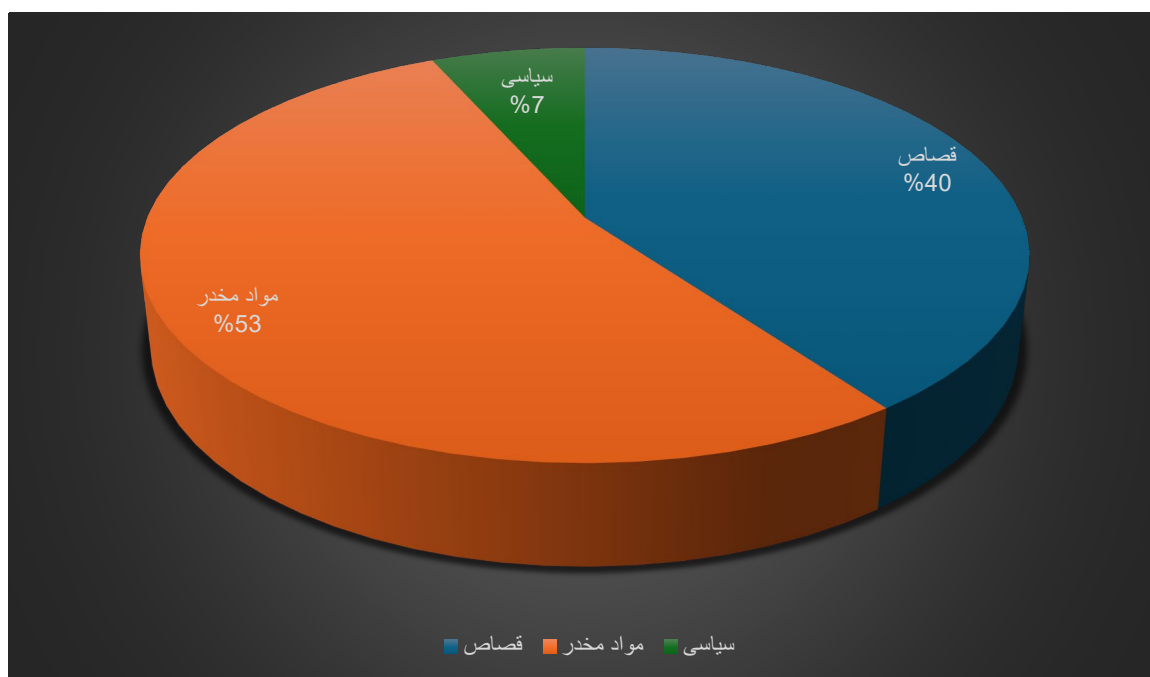
محدودیت‌های شدید در دسترسی به اطلاعات، همراه با نبود شفافیت از سوی مقامات ایرانی، باعث می‌شود که برخی از اعدام‌ها توسط فعالان و سازمان‌های حقوق بشر گزارش نشوند.

بر اساس داده‌های جمع‌آوری‌شده، بیشترین تعداد اعدام‌ها در دسامبر ۲۰۲۳ و اکتبر ۲۰۲۴ رخ داده است که در هر کدام از این ماه‌ها، ۵ مورد اعدام ثبت‌شده است. پس از آن، ماه‌های می، جولای، و نوامبر ۲۰۲۴ هر کدام با ۴ مورد اعدام ثبت‌شده قرار دارند.

۶-۲. دلایل اعدام‌ها

داده‌های جمع‌آوری‌شده نشان می‌دهند، که اعدام زنان در ایران به دلایل مختلفی انجام شده است. اصلی‌ترین دلایل صدور احکام اعدام در دوره مورد بررسی عبارتند از: **جرایم مرتبط با مواد مخدر، قتل عمد (قصاص)، و جرایم سیاسی.** بیشترین درصد اعدام‌ها، به جرایم مرتبط با مواد مخدر اختصاص داشته است که حدود ۵۳٪ از کل موارد را شامل می‌شود. پس از آن، ۴۰٪ از زنان تحت

قوانین قصاص، اغلب به اتهام قتل عمد، اعدام شدند. جرایم سیاسی بخش کوچکتري را تشکیل داده و حدود ۷٪ از کل اعدام‌های زنان در این دوره را شامل می‌شوند.



این آمار نشان می‌دهد که بخش بزرگی از اعدام زنان در ایران به دلیل جرایم مرتبط با مواد مخدر و اجرای احکام قصاص انجام شده است. در حالی که درصد کمتر جرایم سیاسی بازتاب‌دهنده ماهیت هدفمند این اعدام‌ها علیه زنانی است که فعالان سیاسی و مدنی هستند.

۱-۲-۶. اعدام فعالان سیاسی و اجتماعی

اعدام‌های سیاسی در ایران نوعی سرکوب شدید قضایی به‌شمار می‌آید؛ که اغلب زنان فعال در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و مخالفان حکومت را هدف قرار می‌دهد. این امر، نشان‌دهنده ی استفاده حکومت ایران از مجازات اعدام به‌عنوان ابزاری برای خاموش کردن صدای مخالفان حکومت، به‌ویژه زنانی است که وضعیت موجود را به چالش می‌کشند.

با وجود محکومیت گسترده بین‌المللی، سیستم قضایی ایران به‌طور مکرر اتهاماتی مانند "محرابه"، "بغی"، "مفسد فی الارض" و "جاسوسی" را علیه فعالان سیاسی و مدنی مطرح می‌کند. این اتهامات که بسیار گسترده و مبهم تعریف شده‌اند، اغلب بدون رعایت فرایندهای دادرسی عادلانه اعمال می‌شوند و اعدام‌های سیاسی را به نقضی فاحش از حقوق بشر تبدیل می‌کنند.

● نسیم نمازی

در میان موارد قابل توجه در دوره گزارش، می‌توان به پرونده "نسیم نمازی" اشاره کرد که در تاریخ ۲۹ دسامبر ۲۰۲۳ همراه با سه فعال سیاسی مرد در زندان مرکزی ارومیه، استان آذربایجان غربی، اعدام شد. اطلاعات مربوط به پرونده نسیم نمازی بسیار محدود است و به‌طور خاص هیچ تصویری از او در دسترس عموم نیست، که این امر نشان‌دهنده عدم شفافیت در اعدام‌های سیاسی است.

اگرچه رسانه دولتی ایران، خبرگزاری تسنیم، ویدئویی از «اعترافات» وفا هناره و دیگر افراد ناشناس پخش کرد، اما هیچ زن مشخصی در این ویدئو حضور نداشت (تسنیم نیوز، ۲۰۲۳)، که این موضوع تردیدهای بیشتری را درباره اعتبار و شفافیت مدارک ارائه‌شده علیه نسیم نمازی ایجاد می‌کند.

● اعدام مخفیانه ی پرریان دلیری

بر اساس گزارش‌های منتشر شده توسط گویا نیوز، "پرریان دلیری"، دانشجوی دانشگاه هنر، به‌طور مخفیانه اعدام شده است. او در جریان اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» در سال ۲۰۲۲ بازداشت شده بود. روزنامه‌نگار دلیر توکلی معتقد است که پرریان ممکن است در نتیجه ی شکنجه در بازداشتگاه جان خود را از دست داده باشد؛ اما مقامات ایرانی ظاهراً خانواده او را گمراه کرده و ادعا کرده‌اند که او اعدام شده است.

جزئیات مربوط به بازداشت پرریان، اتهامات وارده به او، و روند قضایی همچنان نامشخص است. هیچ پوشش رسانه‌ای قبلی درباره بازداشت او وجود ندارد و پرونده‌اش تنها پس از انتشار گزارش‌هایی درباره مرگ او آشکار شد. خانواده او تحت فشارهای شدید مقامات قرار داشته‌اند و مادرش اخیراً در شرایطی دردناک درگذشته است.

پنهان‌کاری پیرامون مرگ پرریان نمونه‌ای از استراتژی گسترده‌تر دولت ایران برای سرکوب اطلاعات مربوط به بازداشت‌ها و مرگ معترضان است. این پرونده نشان‌دهنده ی ادامه نقض حقوق بشر، نبود شفافیت، و رفتار بی‌رحمانه با بازداشت‌شدگان مرتبط با جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» است.

۲-۲-۶. اعدام به دلیل جرایم مرتبط با مواد مخدر

جرایم مرتبط با مواد مخدر همواره یکی از دلایل اصلی اعدام زنان در ایران بوده است. با وجود انتقادات بین‌المللی نسبت به قوانین سخت‌گیرانه برای جرائم مواد مخدر در ایران، این کشور همچنان احکام اعدام را برای جرایم مربوط به قاچاق و نگهداری مواد مخدر صادر می‌کند.

در دوره گزارش‌شده، ۱۶ زن به اتهام جرایم مرتبط با مواد مخدر اعدام شدند. بسیاری از این زنان از طبقات فقیر و آسیب‌پذیر جامعه بودند که اغلب به دلیل مشکلات مالی یا بهرمکشی، مجبور یا وادار به قاچاق مواد مخدر شده بودند. اجرای گسترده مجازات اعدام نشان می‌دهد که سیاست‌های سخت‌گیرانه مواد مخدر در ایران تأثیر بسیار شدیدی بر زنان، به‌ویژه زنان آسیب‌پذیر و حاشیه‌نشین، داشته است.

● زر خاتون مزارزهی

"زر خاتون مزارزهی" در تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۲۳ به اتهام حمل مواد مخدر در زندان کرمان اعدام شد. به گزارش حال‌وش (۲۰۲۳)، به دلیل فقر مالی شدید، زر خاتون در هیچ مرحله‌ای از دادرسی خود نتوانست وکیل قانونی داشته باشد. یکی از فعالان حقوق بشر بلوچ گزارش داد که خانواده او مجبور شدند گوشواره‌های نوه یک‌ساله‌اش را بفروشند تا هزینه سفر برای آخرین ملاقات با زر خاتون پیش از اعدامش را تأمین کنند. ایران وایر (۲۰۲۳) نیز گزارش داد که خانواده زر خاتون توانایی

مالی برای کرایه آمبولانس جهت انتقال جسد او پس از اعدام نداشتند و تنها از طریق کمک‌های مالی دوستان و آشنایان توانستند هزینه خاکسپاری او را تأمین کنند.

پرونده زر خاتون نشان‌دهنده سختی‌های شدید اقتصادی و اجتماعی جوامع حاشیه‌نشین در ایران، به‌ویژه مردم بلوچ است. ناتوانی در دسترسی به حمایت قانونی و محدودیت‌های مالی شدید خانواده او، نابرابری‌های اجتماعی سیستم فاسد سیاسی را برجسته می‌کند که آسیب‌پذیری زنان متهم به جرایم مرتبط با مواد مخدر را تشدید می‌کند.

● اعدام همسران

در دوره گزارش‌شده، دو مورد مستند از اعدام زوج‌هایی وجود دارد که به اتهام جرایم مرتبط با مواد مخدر اعدام شدند. این موارد به شرح زیر است:

اعدام مرجان حاجی‌زاده: قربانی کودک - همسری، قربانی نوجوان جرایم مرتبط با مواد مخدر

اعدام نوجوانان نقض جدی استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر، از جمله کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل است که به‌صراحت استفاده از مجازات اعدام برای افرادی که هنگام ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال داشتند را ممنوع می‌کند. با این وجود، ایران همچنان به اعدام افرادی که در زمان ارتکاب جرم نوجوان بوده‌اند، ادامه می‌دهد. یکی از موارد نگران‌کننده در دوره گزارش‌شده، پرونده "مرجان حاجی‌زاده"، عروس - کودک و نوجوانی است که به اعدام محکوم شد.

مرجان حاجی‌زاده در ۱۶ سالگی پس از بازداشت به همراه همسرش، "اسماعیل حسین‌خانی"، به اتهام حمل مواد مخدر به اعدام محکوم شد. مرجان به‌عنوان کودک - همسر، در سنین پایین در شرایطی آسیب‌پذیر قرار گرفته و قاعدتا با فشارها و سوءاستفاده‌های بسیاری مواجه شده بود. احتمالاً دخالت او در فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر می‌تواند تحت تأثیر شرایط زندگی و کنترل همسرش بوده باشد. با وجود اینکه مرجان هنگام صدور حکم نوجوان بود، در تاریخ ۱۱ آوریل ۲۰۲۴ در سن ۱۹ سالگی همراه با همسرش اعدام شد.

پرونده مرجان حاجی‌زاده لایه‌های متعددی از بی‌عدالتی را نشان می‌دهد: قربانی کودک همسری و بهره‌کشی، جرم‌انگاری یک نوجوان، و اجرای سخت‌گیرانه قوانین مواد مخدر. اعدام او بیانگر بی‌توجهی گسترده به استانداردهای قانونی بین‌المللی و شکست سیستم قضایی ایران در حمایت از زنان جوان آسیب‌پذیر در برابر مجازات‌های شدید و نامتناسب است.

قربانی زن ناشناس اعدام‌شده به همراه همسر به اتهام قاچاق مواد مخدر

در تاریخ ۱۸ مارس ۲۰۲۴، یک زوج در زندان تبریز به اتهام حمل ۳ کیلوگرم مواد مخدر اعدام شدند. به گزارش سازمان حقوق بشر ایران (۲۰۲۴)، یک زن که هویت او فاش نشده، به همراه همسرش، "یاسین ذوالفقاری"، اعدام شد. این زوج تنها یک سال پس از ازدواج، به اعدام محکوم شدند.

۳-۲-۶. اعدام به اتهام قتل

در دوره گزارش شده، ۱۲ زن در ایران به اتهام قتل اعدام شدند. بخش قابل توجهی از این موارد شامل قتل یکی از اعضای نزدیک خانواده، به ویژه همسر، بوده است. در بسیاری از این موارد، ارتکاب قتل توسط زنان، به عنوان عملی از سر ناچاری بوده؛ اقدامی که ناشی از سال ها سوءاستفاده، خشونت خانگی، یا بدرفتاری شدید بوده است.

فقدان حمایت های قانونی کافی، همراه با فشارهای اجتماعی و فرهنگی، بسیاری از زنان را در خشونت های خانگی گرفتار کرده و آنان را از داشتن گزینه های واقعی برای رهایی از این وضعیت محروم کرده است. در یک سیستم قضایی که ادعای "دفاع از خود" یا "در معرض خشونت خانگی بودن یک زن" اغلب نادیده گرفته یا رد می شود، زنان گاهی مجبور به اقدام نهایی، یعنی گرفتن جان آزارگر خود، می شوند، تا چرخه خشونت را پایان دهند. با این حال، پاسخ قضایی معمولاً بسیار سخت گیرانه است، و به ندرت شرایطی که منجر به وقوع جرم شده اند را، به طور کامل بررسی می کند. در نتیجه، بسیاری از زنان بدون بررسی دقیق سابقه ی سوءاستفاده یا عوامل اجباری که ممکن است در اقدام آنان به قتل تأثیر داشته باشد، به اعدام محکوم می شوند.

سازمان های بین المللی حقوق بشر، هویت بخشی از زنانی را که در دوره گزارش شده به اتهام قتل اعدام شده اند را شناسایی کرده است. جدول زیر جزئیات این موارد را ارائه می دهد:

ردیف	تاریخ اعدام	نام و نام خانوادگی	زندان	شرح قتل
۱	۶ دسامبر ۲۰۲۳	سمیرا سبزیان فر	قزلحصار	قتل همسر
۲	اول ژانویه ۲۰۲۴	زهرا نظریان	سبزواری	قتل شوهر خواهر
۳	۲۵ آپریل ۲۰۲۴	سحر (نامعلوم)	کرج مرکزی	قتل همسر
۴	۱۶ می ۲۰۲۴	راضیه (نامعلوم)	وکیل آباد	قتل فرزندان
۵	۲۰ جولای ۲۰۲۴	(نامعلوم) محمودیان	عادل آباد	قتل همسر
۶	اول اکتبر ۲۰۲۴	اختر قربانلو	اهر	قتل همسر
۷	دوم اکتبر ۲۰۲۴	زهرا فیضی	تبریز	قتل همسر
۸	دوم اکتبر ۲۰۲۴	لیلا قائمی	قزلحصار	قتل همسر
۹	بیستم اکتبر ۲۰۲۴	نسترن (نامعلوم)	تبریز	قتل مادر شوهر

* زنانی که مرتکب قتل شده اند اما هویتشان به طور کامل مشخص نیست در این لیست آورده نشده اند.

۷. اعدام زنان با مشکلات جسمی و روانی

اعدام زنانی که با آسیب ها و مشکلات جسمی و روانی قابل توجهی مواجه هستند، شدت رویه های قضایی ایران را نشان می دهد، به ویژه در مواردی که آسیب پذیری های متهم نادیده گرفته می شود. استانداردهای بین المللی حقوق بشر بر نیاز به حمایت ویژه از افراد مبتلا به بیماری های روانی یا جسمی، شدیداً تأکید دارند و استفاده از مجازات اعدام را برای این افراد ممنوع می دانند. با این حال، دادگاه های ایران همچنان به صدور احکام اعدام برای زنانی که به وضوح با چالش های جسمی یا روانی روبرو هستند، ادامه می دهند و شرایط سلامتی آن ها و عواملی که به ارتکاب جرایم منجر شده را نادیده می گیرند. در دوره گزارش شده، چندین مورد از زنان با مشکلات جدی سلامت جسمی یا روانی اعدام شده اند. این بخش به بررسی دو مورد برجسته می پردازد:

● راضیه: تراژدی قتل دو فرزند

راضیه مادر دو کودک خردسال، طاهره (۸ ساله) و علیرضا (۴ ساله)، بود که به‌طرز غم‌انگیزی آن‌ها را به قتل رساند. او در تاریخ ۱۶ مه ۲۰۲۴ به اتهام این جنایت اعدام شد. به گزارش خبرآنلاین، رسانه‌ای وابسته به حکومت ایران، در مقاله‌ای به فشارهای شدید اقتصادی و اجتماعی که راضیه با آن مواجه بود، اشاره شده است. این گزارش بیان می‌کند:



فشارهای اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی او را به تصمیمی وحشتناک رساند. پس از جدایی از همسر دوم خود، او با مشکلات مالی و انزوای اجتماعی روبرو بود و نمی‌توانست به تنهایی از دو فرزند خردسالش مراقبت کند. این ناامیدی او را به اقدامی هولناک واداشت و باعث شد دو کودک بی‌گناه خود را به قتل برساند. (خبرآنلاین، ۲۰۲۴).

نحوه روایت پرونده راضیه توسط خبرآنلاین بیشتر بر فشارها و سختی‌های بیرونی که او متحمل شد تأکید دارد و به‌طور ضمنی اقدامات او را نتیجه مسائل گسترده‌تر اقتصادی و اجتماعی در ایران می‌داند. این روایت اگرچه به شرایط وخیم اطراف این پرونده اذعان دارد، اما توجه را از ناکامی‌های سیستماتیک دولت در ارائه حمایت‌های کافی برای مادران مجرد و خانواده‌های در بحران منحرف می‌کند.

در حالی که این گزارش بر مشکلات اقتصادی او تأکید دارد، به کمبودهای عمیق‌تر سیستم خدمات اجتماعی و قانونی، از جمله نبود شبکه‌های ایمنی اجتماعی، حمایت‌های روانی-اجتماعی، و حفاظت‌های قانونی برای زنان آسیب‌پذیر اشاره‌ای نمی‌کند.

این پرونده بر ناکامی‌های گسترده‌تر سیستم قضایی ایران تأکید می‌کند که عوامل کاهش‌دهنده‌ای مانند سلامت روان و سختی‌های اقتصادی را در نظر نمی‌گیرد. به‌جای پرداختن به ریشه‌های این تراژدی، پاسخ قانونی صدور حکم اعدام بود، که باز هم رویکرد تنبیهی قوه قضائیه ایران را نشان می‌دهد، حتی در مواردی که افراد با آسیب‌های قابل‌توجهی روبرو هستند.

● پروین موسوی

پروین موسوی، زن ۵۳ ساله، در تاریخ ۱۸ مه ۲۰۲۴ در زندان ارومیه، استان آذربایجان غربی، به اتهام حمل ۵ کیلوگرم مواد مخدر اعدام شد. با وجود محکومیت، پرونده پروین به



دلیل وضعیت وخیم سلامتی‌اش توجهات زیادی را جلب کرد؛ گزارش‌ها حاکی از آن است که او به سرطان مبتلا بوده است. براساس گزارش سازمان حقوق بشر (۲۰۲۴)، به گفته ساره صدیقی، همبندی سابق پروین، خانواده او از سوی غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه ایران، اطمینان‌هایی دریافت کرده بودند که به دلیل بیماری‌اش آزاد خواهد شد. پس از انتقادات بین‌المللی و افشای پرونده پروین موسوی توسط

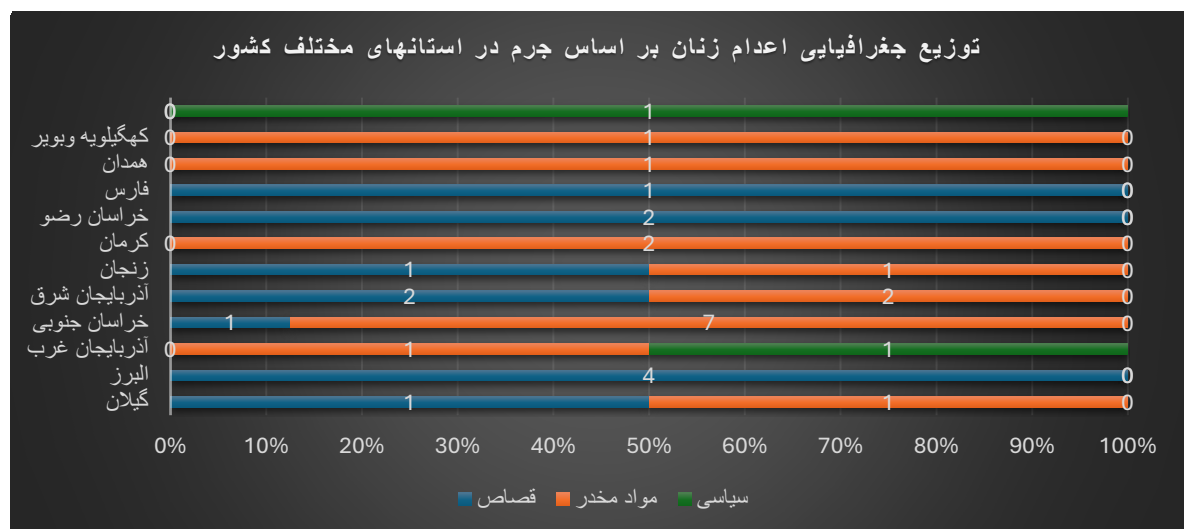
سازمان‌های حقوق بشری، "خبرگزاری مهر"، وابسته به دولت، ادعا کرد که رسانه‌های مخالف دولت به‌طور نادرست پروین را به‌عنوان زندانی سیاسی معرفی کرده‌اند و تأکید کرد که او به جرم مواد مخدر محکوم شده است. این خبرگزاری و همچنین "شبکه ی شرق" گزارش‌های مربوط به بیماری او را رد کرده و ادعاهای مربوط به تشخیص سرطان را نادرست دانستند.

این روایت‌های متناقض پیرامون پرونده پروین موسوی نشان‌دهنده مسئله گسترده‌تری است که در آن رسانه‌های دولتی تلاش می‌کنند گزارش‌های سازمان‌های مستقل حقوق بشری را بی‌اعتبار کنند. با انکار بیماری او و تأکید بر اتهامات مرتبط با مواد مخدر، خبرگزاری مهر و شبکه ی شرق، سعی در تضعیف اعتبار گزارش‌های بین‌المللی و کاهش اهمیت اعدام زنی با وضعیت وخیم سلامتی داشت.

پرونده پروین موسوی بی‌توجهی به حقوق اساسی بشر در فرآیند قضایی ایران را نشان می‌دهد؛ جایی که حتی وعده‌های مقامات عالی‌رتبه، مانند غلامحسین محسنی اژه‌ای، رعایت نمی‌شود و زندانیان آسیب‌پذیر با وجود شرایط وخیم سلامتی اعدام می‌شوند.

۸. توزیع جغرافیایی اعدام زنان

این بخش به بررسی توزیع جغرافیایی اعدام زنان بر اساس انواع جرایم در استان‌های مختلف ایران می‌پردازد. تحلیل این آمار نشان‌دهنده تفاوت‌های قابل‌توجه منطقه‌ای است، به‌طوری که برخی استان‌ها شاهد تعداد بیشتری از اعدام‌ها بوده‌اند.



بر اساس داده‌های جمع‌آوری‌شده، اعدام زنان در ۱۲ استان از ۳۱ استان کشور ثبت شده است. استانی که بالاترین تعداد اعدام‌ها را داشته، خراسان جنوبی بوده است و با ۳۱٪ از کل اعدام‌های ثبت‌شده در دوره گزارش‌شده، در صدر قرار دارد. در این استان ۸ اعدام در زندان‌های بیرجند و سبزوار انجام شده است.

همچنین داده‌ها نشان می‌دهند که اعدام زنان در ۱۶ زندان مختلف صورت گرفته است که شامل زندان‌های زیر می‌شود:

بیرجند، اهر، تبریز، تهران، همدان، قزل‌حصار، لاکان رشت، ارومیه، سبزوار، زنجان، کرج، کرمان، وکیل‌آباد، نیشابور، عادل‌آباد شیراز و یاسوج.

۹. صدور و تأیید احکام اعدام

به دلیل نبود شفافیت و محدودیت در دسترسی به اسناد رسمی، تعیین دقیق تعداد احکام اعدام صادرشده توسط دستگاه قضایی ایران یا تأییدشده توسط دیوان عالی دشوار است. بنابراین، این بخش به بررسی موارد منتخب زنانی می‌پردازد که در دوره گزارش‌شده به اعدام محکوم شده‌اند.

۹-۱. احکام اعدام برای فعالین سیاسی و اجتماعی

در ایران، زنانی که در فعالیت‌های سیاسی یا اجتماعی مشارکت دارند با خطرات شدیدی مواجه هستند، زیرا دستگاه قضایی اغلب از اتهامات انگیزه‌دار سیاسی برای صدور احکام اعدام استفاده می‌کند. اتهاماتی مانند "محاربه"، "بغی" و "جاسوسی" معمولاً به‌طور گسترده‌ای به کار می‌روند و افرادی را هدف قرار می‌دهند که قدرت حکومت را به چالش می‌کشند.

این اتهامات اغلب مبهم هستند و به مقامات اجازه می‌دهند بدون رعایت فرآیند دادرسی عادلانه یا فراهم کردن دسترسی به وکیل مستقل و دفاع مناسب، احکام سنگینی صادر کنند.

فعالان مدنی و سیاسی زن، صرف‌نظر از پیشینه یا موقعیت اجتماعی‌شان، با خطرات شدیدی مواجه هستند، زیرا فعالیت‌های آن‌ها که در حمایت از حقوق بشر یا به چالش کشیدن وضعیت موجود انجام می‌شود، به‌عنوان تهدیدی علیه بقا و حیات جمهوری اسلامی تلقی می‌شود.

موارد زیر نشان‌دهنده واکنش‌های قضایی شدید علیه زنانی است که در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در دوره گزارش‌شده مشارکت داشته‌اند.

● پخشان عزیزی



پخشان عزیزی، فعال جامعه مدنی، در ژوئیه ۲۰۲۴ به اعدام محکوم شد. او به اتهام "بغی" به دلیل فعالیت‌های حقوق بشری خود، از جمله ارائه کمک و حمایت به کودکان و زنان در مناطق شمال شرقی سوریه و منطقه کردستان عراق در جریان حمله‌های وحشیانه داعش به این مناطق؛ به اعدام محکوم شد. تلاش‌های انسانی او که

با هدف کمک به جمعیت‌های آسیب‌پذیر در مناطق جنگی انجام شده بود، توسط دستگاه قضایی ایران به‌عنوان بغی یا شورش مسلحانه بازتعریف شد. این موضوع نشان‌دهنده خطرات شدیدی است که فعالانی که در زمینه‌های اجتماعی و انسانی فعالیت می‌کنند، با آن روبرو هستند.

● وریشه مرادی



وریشه مرادی، زندانی سیاسی کرد و عضو جامعه زنان آزاد کردستان شرقی (کژار) در نوامبر ۲۰۲۴ به اعدام محکوم شد. محکومیت او پس از برگزاری دو جلسه دادگاه در تاریخ‌های ۱۶ ژوئن و ۵ اکتبر صادر شد.

در طول فرایند دادرسی، وریشه از حق دفاع از خود محروم بود و قاضی پرونده تیم حقوقی او را از ارائه هرگونه دفاع منع کرد.

فقدان روند دادرسی عادلانه در پرونده او نشان‌دهنده تعصبات سیستماتیک قانونی است که فعالان کرد، به‌ویژه زنان، را که اقتدار حکومت را به چالش می‌کشند، هدف قرار می‌دهد.

۹-۲. صدور احکام اعدام برای زنان از انتشار محروم و آسیب‌پذیر جامعه : حمایت خانوادگی و تبعیض قومی

● سودابه ایران‌دگانی

در اکتبر ۲۰۲۴، فعالان بلوچ در شبکه‌های اجتماعی گزارش دادند که سودابه ایران‌دگانی، بلوچ، مادر ۳۴ ساله شش فرزند، به اتهام قتل به اعدام محکوم شده است.

به گزارش ایران وایر (۲۰۲۴)، سودابه درگیر یک مشاجره لفظی با زنی دیگر می‌شود؛ که در این مشاجره لفظی فرزند زن توسط فرزند سودابه کشته می‌شود. در تلاشی ناامیدانه برای نجات جان فرزند خود، سودابه مسئولیت قتل را به گردن می‌گیرد و خود را در معرض خطر اعدام قرار می‌دهد. پرونده سودابه نمونه‌ای از تبعیض مضاعفی است که زنان بلوچ در ایران با آن مواجه‌اند؛ زنانی که علاوه بر تعصبات جنسیتی، از ساختارهای تبعیض‌آمیز قومی که در قوانین و سیاست‌های اجرایی ریشه دارد، آسیب می‌بینند.



به‌عنوان عضوی از جامعه ی محروم بلوچ، دسترسی سودابه به نمایندگی قانونی و یک محاکمه عادلانه احتمالاً به‌شدت محدود بوده است، که این مسئله الگوهای گسترده‌تر نابرابری قضایی علیه برخی گروه‌ها و اقوام در کشور را نشان می‌دهد.

علاوه بر این، پرونده او شرایط ناگوار مادرانی در ایران را برجسته می‌کند که ممکن است برای محافظت از فرزندان خود، حتی به قیمت جان‌شان، دست به چنین فداکاری‌هایی بزنند.

۹-۳. حکم اعدام به اتهام زنا (زنای محصنه)

زنای محصنه به‌طور خاص به زنا توسط فردی متأهل اشاره دارد که در زمان وقوع این عمل، در یک رابطه زناشویی قانونی و فعال با همسر خود قرار دارد. در قوانین ایران و شریعت سنتی، این جرم به‌عنوان نقض جدی پیمان زناشویی تلقی می‌شود و مجازات آن اعدام است. به‌صورت سنتی، مجازات زنا محصنه سنگسار (رجم) است، اما به‌دلیل فشارهای بین‌المللی، سنگسار اغلب با سایر روش‌های اعدام، مانند حلق‌آویز، جایگزین شده است.

طبق گزارش مشرق نیوز (۲۰۲۴)، در مارس ۲۰۲۴، مردی در تهران با مراجعه به پلیس، همسر

خود مریم و کارفرمای او خسرو را به داشتن رابطه نامشروع متهم کرد. این مرد پس از مشاهده شباهت زیاد میان خسرو و فرزند کوچک خود به این موضوع شک کرد که شاید خسرو پدر بیولوژیکی دو فرزندش است. نتایج آزمایشات دی‌ان‌ای نشان داد که پدر هردو فرزند خسرو بود. پس از بازداشت مریم و خسرو، شوهر مریم خواستار شدیدترین مجازات برای هر دو نفر شد. در جریان دادگاه، مریم از خود دفاع کرد و ادعا کرد که شوهرش قادر به فرزندآوری نبوده و او از خسرو برای لقاح مصنوعی کمک گرفته است و هرگونه رابطه نامشروع را رد کرد.



طبق قوانین شریعت، برای اثبات زنا محصنه، یا باید متهم چهار بار اعتراف کند یا شهادت حداقل چهار شاهد مرد بالغ و معتبر که به‌صورت مستقیم عمل زنا را مشاهده کرده‌اند، ارائه شود. با وجود این بار اثبات بالا، دادگاه هر دو نفر را به اعدام محکوم کرد. این حکم نشان‌دهنده اعمال سختگیرانه و گاه سلیقه‌ای قضات است.

۱۰. تأثیر اعدام‌ها بر خانواده‌ها

سن زنان اعدام‌شده در دوره گزارش‌شده بین ۱۹ تا ۵۳ سال متغیر بود، که نشان‌دهنده تنوع گسترده در گروه‌های جمعیتی است. بیشتر این زنان متأهل بودند و فرزندان داشتند، و بخشی از این فرزندان در زمان اعدام مادرشان کمتر از ۱۸ سال سن داشتند.

اکثریت این زنان به اتهام قتل همسر یا یکی از بستگان همسرشان حکم اعدام در موردشان اجرا شده است.

در سیستم حقوقی ایران، سرپرستی کودکان خردسال معمولاً پس از فوت پدر به پدر بزرگ پدری منتقل می‌شود. این چارچوب قانونی در مواردی که مادر به دلیل قصاص توسط خانواده پدری اعدام شده باشد، وضعیتی بسیار نگران‌کننده ایجاد می‌کند.

در عمل، این کودکان تحت سرپرستی همان افرادی قرار می‌گیرند که حکم اعدام مادرشان را پیگیری کرده‌اند. این تضاد منافع نه تنها حمایت عاطفی و روانی این کودکان را مختل می‌کند، بلکه باعث تشدید آسیب‌ها و بحران‌های روانی برای این قربانیان خردسال می‌شود.

این وضعیت، اثرات عمیق و چندلایه‌ای را بر زندگی کودکان به جا می‌گذارد و بر ضرورت بازنگری در قوانین سرپرستی و عدالت اجتماعی تأکید می‌کند.

● سمیرا سبزیان فرد: قربانی کودک همسری و انتقام خانوادگی

سمیرا سبزیان فرد که قربانی کودک همسری بود، در تاریخ ۶ دسامبر ۲۰۲۳ به اتهام قتل همسرش اعدام شد. سمیرا در زمان اعدام، مادر دو فرزند ۱۰ و ۱۵ ساله بود و نزدیک به ده سال از عمر خود را در زندان به سر برده بود.

یک روز پیش از اعدام سمیرا، یکی از اعضای انجمن ایرانیان علیه اعدام، با پدرشهر او صحبت کرد و از او خواست تا به تأثیرات عاطفی این قصاص بر نوه‌هایش فکر کند. وقتی از او پرسیده بود که قصد دارد در آینده به نوه‌هایش درباره سرنوشت مادرشان چه بگوید، پاسخ داده بود که: "نوه‌هایم باور دارند که مادر و پدرشان در یک تصادف رانندگی جان باخته‌اند. آن‌ها هیچ چیزی درباره واقعیت ماجرا نمی‌دانند." این روایت به‌طور چشمگیری با گزارشی که توسط ایران وایر منتشر شده، تضاد دارد. در آن گزارش ادعا شده بود که سمیرا قبل از اعدامش برای آخرین بار فرزندان را ملاقات کرده است. این تناقض



میان دو روایت، نبود شفافیت در روند قضایی و پیچیدگی‌های پنهان کاری پیرامون اعدام‌ها در ایران، به ویژه در مواردی که اعضای خانواده مستقیماً در درخواست قصاص دخیل هستند، را آشکار می‌کند.

تصمیم سیستم قضایی برای سپردن سرپرستی کودکان به همان عضوی از خانواده که قصاص مادرشان را پیگیری کرده، تضاد منافع عمیقی ایجاد می‌کند و زمینه را برای غفلت، سوءاستفاده، یا دستکاری عاطفی فراهم می‌کند. این کودکان به‌طور مضاعف قربانی می‌شوند: ابتدا با از دست دادن مادرشان از طریق اعدام و سپس با قرار گرفتن در محیطی که رفاه آن‌ها ممکن است اولویت اصلی نباشد.

در چنین مواردی، دولت در تأمین حمایت و حفاظت کافی برای این کودکان ناکام می‌ماند و آن‌ها را در معرض آسیب‌های عاطفی و روانی طولانی مدت قرار می‌دهد. بدون مداخله بیرونی، مانند خدمات حمایتی روانی یا اجتماعی، این کودکان ممکن است در چرخه آسیب و حاشیه‌نشینی با مشکلات جدی روبرو شوند.

۱۱. نتیجه‌گیری

این گزارش به مستندسازی اعدام‌زنان در ایران از تاریخ اول نوامبر ۲۰۲۳ تا ۲۵ نوامبر ۲۰۲۴ پرداخته و بر ناکامی‌های سیستماتیک دستگاه قضایی و شرایط وخیمی که زنان در فرآیند قانونی با آن روبرو می‌شوند، تأکید دارد. داده‌ها، الگوی نگران‌کننده‌ای از مجازات‌های نامتناسب را نشان می‌دهند.

که اغلب بر زنان آسیب‌پذیر و حاشیه‌نشین، از جمله قربانیان کودک همسری، زنان خانواده‌های بی‌بضاعت، و فعالان سیاسی و مدنی مخالف حکومت، تحمیل می‌شود.

روایت‌های ارائه‌شده، آسیب‌پذیری چندلایه این زنان را نشان می‌دهد؛ جایی که تبعیض جنسیتی با تعصبات قومی، محرومیت‌های اقتصادی-اجتماعی، و تفسیر سختگیرانه قوانین شریعت ترکیب می‌شود. این چارچوب قانونی، به جای محافظت از زنان، رنج آن‌ها را تشدید کرده و آن‌ها را به موقعیت‌هایی سوق می‌دهد که منجر به جرم‌انگاری و در نهایت اعدام می‌شود.

علاوه بر این، تأثیر این اعدام‌ها فراتر از زنان اعدام‌شده رفته و خانواده‌های آن‌ها، به‌ویژه فرزندان‌شان، را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. رویه‌ی سپردن سرپرستی کودکان به پدربزرگ پدری—که اغلب همان فردی است که قصاص مادر را پیگیری کرده—تضاد منافع عمیقی ایجاد کرده و کودکان این زنان را بیش از پیش در معرض آسیب‌های روانی و بی‌ثباتی بیشتر قرار می‌دهد.

نبود شفافیت در روند قضایی، همراه با روایت‌های کنترل‌شده دولتی، منجر به پنهان شدن بسیاری از موارد از دید عموم شده است، همان‌طور که در اعدام‌های مخفیانه زندانیان سیاسی مانند پرنیان دلیری مشاهده می‌شود. محرومیت از حقوق اساسی قانونی، مانند دسترسی به محاکمه عادلانه و بررسی شرایط تخفیف‌دهنده، نشان‌دهنده نقض‌های سیستماتیک حقوق بشر است که در دستگاه قضایی ایران رواج دارد.

این گزارش بر ضرورت اقدام فوری برای پایان دادن به این نقض‌ها و حمایت از حقوق زنان، کودکان، و خانواده‌ها در ایران تأکید می‌کند.

۱۲. توصیه‌ها و پیشنهادات

۱۲-۱. تقویت تلاش‌های بین‌المللی

سازمان‌های حقوق بشری و نهادهای بین‌المللی باید تلاش‌های خود را برای ترویج تعلیق مجازات اعدام در ایران، به‌ویژه برای زنان آسیب‌پذیر و مجرمان نوجوان، افزایش دهند. جامعه بین‌المللی باید از طریق کانال‌های دیپلماتیک برای فشار بر مقامات ایرانی به منظور رعایت استانداردهای حقوق بشر بین‌المللی اقدام کند.

۱۲-۲. اصلاحات قانونی و حفاظت از گروه‌های آسیب‌پذیر

سیستم قضایی ایران به اصلاحات فوری نیاز دارد تا از زنان آسیب‌پذیر در برابر احکام سنگین محافظت کند، به‌ویژه در موارد مرتبط با جرایم مواد مخدر، ازدواج کودکان، و خشونت خانگی. باید تدابیر قانونی اتخاذ شود تا عوامل تخفیف‌دهنده مانند سلامت جسم و روان، سختی‌های اقتصادی-اجتماعی، و سابقه سوءاستفاده در تصمیمات قضایی در نظر گرفته شوند.

۱۲-۳. حمایت از خانواده‌ها و فرزندان زنان اعدام‌شده

سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و محلی باید برنامه‌های حمایت روانی و اجتماعی برای فرزندان زنان اعدام‌شده را در اولویت قرار دهند. تلاش‌های حمایتی باید بر تغییر چارچوب قانونی فعلی متمرکز باشد که کودکان را به سرپرستی افرادی می‌سپارد که قصاص مادرشان را پیگیری کرده‌اند. این اقدام سبب می‌شود تا رفاه این کودکان تضمین و از آسیب‌های بیشتر جلوگیری شود.

۱۲-۴. شفافیت و پاسخگویی در روند قضایی

دولت ایران باید برای نبود شفافیت در روند قضایی، به‌ویژه در موارد اعدام‌های سیاسی، پاسخگو باشد. تحقیقات مستقل باید در مورد موارد گزارش‌شده شکنجه، اعترافات اجباری، و اعدام‌های مخفی انجام شود و دسترسی بیشتری به اطلاعات برای ناظران حقوق بشر محلی و بین‌المللی فراهم گردد.

۱۲-۵. افزایش آگاهی از طریق مستندسازی و گزارش‌دهی

ادامه مستندسازی و گزارش‌دهی اعدام‌ها، همان‌گونه که توسط انجمن ایرانیان علیه اعدام و دیگر سازمان‌های حقوق بشری انجام می‌شود، برای روشن ساختن این نقض‌های حقوق بشر ضروری است. باید تلاش شود تا این گزارش‌ها در مجامع بین‌المللی و رسانه‌ها تقویت شود تا صدای قربانیان خاموش نشود و این مسئله در دستور کار جهانی باقی بماند.

۱۲-۶. ترویج خدمات حقوقی و حمایتی

نیاز مبرمی به افزایش خدمات کمک حقوقی برای زنانی که با اتهامات منجر به اعدام در ایران مواجه هستند، وجود دارد. سازمان‌های حقوقی بین‌المللی می‌توانند با فعالان محلی همکاری کنند تا حمایت حقوقی رایگان ارائه دهند و اطمینان حاصل شود که زنان به دفاع مناسب و فرآیند دادرسی عادلانه دسترسی دارند.

۱۳. اظهارات پایانی

این گزارش بر نیاز فوری به تغییرات اساسی در رویکرد حقوقی ایران نسبت به مجازات اعدام، به‌ویژه در ارتباط با زنان آسیب‌پذیر، تأکید دارد. این گزارش به‌عنوان فراخوانی برای اقدام، جامعه بین‌المللی، مدافعان حقوق بشر، و حامیان اصلاحات قانونی را به همکاری برای پرداختن به این مسائل عمیق و ریشه‌دار دعوت می‌کند. با افشای این بی‌عدالتی‌ها و بازتاب دادن صدای زنانی که جان خود را از دست داده‌اند، می‌توانیم برای دستیابی به یک سیستم قضایی عادلانه‌تر و انسانی‌تر تلاش کنیم؛ سیستمی که به جای مجازات، بر حمایت و حفاظت تأکید داشته باشد.

۱۴. منابع

Goli F (2024) "Challenges of life after prison for women", *Harana*, <https://www.hra-news.org/articles/a-1275/>

Iran Human Rights Organisation, <https://iranhr.net/fa/>

Iranska Föreningen Mot Avrättningar (IFMA), <https://ifmavoice.com/>

Iran Wire, <https://iranwire.com/fa/news-1/123468>

Harana, <https://www.hra-news.org/category/execution/>

Halvash, <https://haalvsh.org/>

Hengaw Organization for Human Rights, <https://hengaw.net/en/execution>

Gooya News, <https://news.gooya.com/>

Mehr News Agency, <https://fa.mehrnews.com/>

Mashregnews, <https://www.mashregnews.ir/>

Shargh Daily, <https://www.sharghdaily.com/>

Tasnim News Agency, <https://www.tasnimnews.com/>

Voice of America, <https://ir.voanews.com/>